

بررسی جرم‌شناختی جرایم مالی کارکنان دولت (رویکرد کلان)

(تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۰۵/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۷/۱۰/۱۵)

اکرم اسلامی^۱

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه قم

دکتر محمدعلی حاجی ده آبادی

دانشیار دانشگاه قم

چکیده

جرایم ارتكابی از سوی کارکنان دولت با زمان تشکیل دولت ها قابل تصور می باشد. در این جرایم ویژگی های خاص مرتكب جرم و نیز نوع استخدام آنها و حیطه اختیارات و قلمروی کاری آنها در وقوع جرم موثر است در این مقاله افزون بر عوامل یاد شده علل و عوامل فردی - ساختاری - اجتماعی و راه های پیشگیری از این جرایم بررسی می شود. نگاه اجمالی به آمار و مطالعه موردی برخی از این جرایم در سالهای اخیر و عملکرد دولت نشان داده شده که در حال حاضر شیوع این گونه جرایم در حال فزونی بوده و نشاندهنده این که راه های مقابل با آن قابلیت تاثیر خود را از دست داده و نیازمند اصلاح قوانین در حوزه های کیفی و استخدامی و منابع انسانی و نیز اتخاذ تصمیمات جدی را طلب می نماید.

۳۱



واژگان کلیدی: جرایم مالی، کارکنان دولت، رویکرد کلان

^۱ نویسنده مسئول

بخش اول: کلیات

جرایم مالی کارکنان دولت، از اهمیت بسزایی برخوردار است و لذا مهم می نماید که در شیوه انتخاب و به کارگماردن آنان دقت لازم بعمل آید. افزون بر این ریشه یابی این جرایم و بررسی در عوامل گوناگون موثر در رخداد آن می تواند در ارایه راهکارها و روش های پیشگیری از این جرایم موثر باشد از آنجا که حاکمیت و دولت نماینده گان و امانت داران مردم سرزمین هستند که می بایست به رسم امانتداری و کوشش جهت جلب اعتماد به این مهم فارغ آمد هرگونه کوتاهی در این خصوص خسارات جبران ناپذیری را برای یک جامعه به دنبال خواهد داشت و حتی موجب فروپاشی نظام خواهد شد. کارکنان دولت بخش بزرگی از نظام اداری یک کشور را تشکیل می دهند. امروزه برای اداره کردن امور کشور و سازمان دادن به روابط بین مردم و اجتماع بخش زیادی از اموال و سرمایه های کشور در اختیار دولت و نهادهای عمومی قرار می گیرد. کارمندان با حجم انبوهی از اطلاعات و اسناد محرمانه و اموال دولتی مواجهه هستند و همیشه این احتمال هست که این سرمایه و اموال که در اختیار کارکنان دولت قرار گرفته به طور صحیح اداره نشده و برعکس مورد تصاحب شخصی نیز قرار گیرد. پس این وظیفه خطیر و بزرگ بر عهده دولت است که این سرمایه و اموال را که حسب امانت در اختیار دارد در اختیار کسانی قرار دهد که شایسته و صالح و امانت دار در راستای هدف مورد نظر باشند. متأسفانه برخی کارکنان حکومت در وظیفه شرعی و قانونی خود قصور کرده و برخلاف اهداف مورد نظر ضررهای بسیار عظیمی به سرمایه مملکت وارد می آورند. از آن جایی که جرایم مالی کارکنان دولت از جمله جرایم شایع بوده و قانونگذار به لحاظ گسترده بودن سازمان ها و نهادهای دولتی وقوع این جرایم به کرات اتفاق می افتد نیز به این موضوع واقف بوده و در این رابطه قوانین کیفری مختلفی را برای مجازات مرتکبین این جرایم وضع نموده است با وجود وضع و اجرای این قوانین هنوز هم می توان گفت جامعه ای نیست که از گزند اینگونه اعمال مجرمانه مصون و درامان باشد. لذا باید درصدد چرایی و چگونگی وقوع اینگونه جرایم برآمده و روند پیشگیری و راهکارهای مهمی را پیش بین نمود چرا که هر جرمی زمینه ساز و بستر مناسبی برای وقوع جرایم سنگین تر و به مراتب



بدتر را باید شاهد بود. جنبه عمومی و دولتی داشتن مال و شخصیت مرتکب نیز می تواند از معیارهای تفکیک جرایم علیه اموال و جرایم مالی شود بعنوان مثال اختلاس اموال عمومی و دولتی در زمره جرایم مالی به حساب می آید و حال آنکه آنرا در ذیل جرایم علیه اموال قرار نباید داد. (نورزاد، مجتبی: سال ۸۹ ص ۹۳) البته «همیشه مال تعبیر عرفی از وجود حق مالی است یعنی رابطه اعتباری که شخص را به مال مربوط می کند و مفهومی جدای از آن ندارد، زیرا اشیاء مادی به این اعتبار که ملک اشخاص قرار می گیرند مال محسوب می شوند: اگر می گوئیم فلان شی مال ماست در حقیقت تعبیر از این است که بر آن حق مالکیت داریم» (کاتوزیان، امیرناصر، پاییز ۸۳ ص ۱۳) برخی اصطلاح «جرایم علیه اموال» را ایراد پذیر دانسته و معتقد «به استثنای جرم تخریب در سایر جرایم علیه اموال ضرری به خود مال زده نمی شود بلکه صدمه به حقوق مالکانه اشخاص وارد می آید و به این دلیل شاید اصطلاح «جرایم علیه حقوق مالی» اصطلاح صحیح تری نسبت به «جرایم علیه اموال» باشد. (میرمحمد صادقی، پاییز ۷۶، ص ۲۲)

بند اول: بررسی ویژگی عمومی جرایم مالی

ممکن است این جرایم را از جمله جرایم علیه آسایش و مصالح عمومی بدانیم چرا که مستخدم دولت با بدست آوردن و تحصیل امتیازات مورد نظر موجب بی اعتباری دستگاه دولتی شده و باعث سلب آسایش و اعتماد مردم از دستگاه دولتی می گردد. در واقع مقصود از جرایم بر ضد مصالح عمومی اینطور هست که ضرر و نتیجه سوء آن ها مستقیم عاید مصالح عالیه کشوری و تمامیت سازمان های سیاسی و حیات اقتصادی یا استقلال و اعتبارات مملکتی و بالاخره آرامش و آسایش عمومی در کل می گردد هرچند که عواقب این جرایم به طور غیرمستقیم عاید فرد یا افراد معین نیز می شود و منافع شخصی آنها را به خطر می اندازد ولی هدف نهایی مستقیم آنها ملت و یا دولت و حکومت می باشد. برطبق قانون مجازات فرانسه سومین دسته از جرایم بر ضد آسایش عمومی جرایم مضر به مصالح عمومی است که در واقع مرتکب این جرایم گاهی افراد عادی هستند گاهی مستخدمین دولت یا در آن واحد در هر دو



دسته دخالت داشته باشند مثل ارتشا - رشاء ... این گونه جرایم در حقوق فرانسه در سه بخش به شرح ذیل تقسیم شده اند:

۱- در تعدیات مامورین دولتی نسبت به دولت ۲- در جرایم افراد عادی نسبت به دولت و مامورین دولتی ۳- ارتشاء و اعمال نفوذ (یزدانی نجف آبادی، سال ۱۳۵۴ ص ۱)
لذا قانون ما از قانون فرانسه اقتباس شده و قانونگذار محترم در تقسیم بندی براساس حقوق اسلامی بدین ترتیب (کلیات - حدود - قصاص - دیات - تعزیرات) آورده است که در مبحث تعزیرات آورده شده است. با این وجود برخی حقوقدانان ایران که به صورت بسیار مختصر متعرض جرم اختلاس شده اند و آن را در مبحث جرایم علیه اموال مطرح کرده اند. (میرمحمد صادقی: سال ۱۳۹۲)

بخش دوم: مهمترین مصادیق حرایم مالی کارکنان دولت با نگاه به وضعیت کنونی ایران

ارتشاء و تعریف جرم رشوه: دادن مال یا وجه است به کارمندان دولت در قبال انجام کارهای اداری یا قضایی گرچه این کارمربوط به شغل گیرنده نباشد (خواه بصورت مستقیم باشد یا غیر مستقیم) در کشورهای در حال توسعه مانند ایران با اینکه یک کشور کاملاً اسلامی و متدین است و باتوجه به آموزه های دینی مذهبی و همچنین در قرآن کریم آیه ۱۸۸ سوره مبارکه بقره محکم ترین دلیل قرآنی حرمت رشوه است: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (و اموال خود را در بین خود به باطل مخورید و برای خوردن مال مردم قسمتی از آن را به طرف حکام به رشوه و گناه سرازیر ننمائید با اینکه می دانید که این عمل حرام است) و هینطور در روایات از جمله روایتی از امام صادق (ع) می فرمایند: «مِنْ أَكْلِ السُّحْتِ الرِّشْوَةُ فِي الْحُكْمِ قِيلَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَإِنْ حَكَمَ بِالْحَقِّ قَالَ إِنَّ حَكْمَ بِالْحَقِّ قَالَ فَأَمَّا الْحُكْمُ بِالْبَاطِلِ فَهُوَ كُفْرٌ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ» از مصادیق حرام خواری (سحت) رشوه در مورد حکم است. سؤال شد: هر چند حکم به حق کند؟ فرمود: هر چند حکم به حق کند؛ اما حکم به باطل، کفر به خداست؛ همان گونه که خداوند عزیز و جلیل فرمود «هر کس بدانچه خدا نازل



کرده حکم نکند، پس آنان کافرند» (فیض کاشانی؛ ج ۷، ص ۵) باز شاهد هستیم که متاسفانه این جرم در حال فزونی است و باید اذعان داشت گویی قبح این گونه موارد کم کم در حال از بین رفتن است و تحت عناوین مانند شیرینی، زیر میزی، التماس دعا و... که همگی مشعر به درخواست پول است روزانه در سرتاسر کشور در حال وقوع است بدون اینکه جایی جزء آمار جرم بحساب آید و به تدریج اعمال ضد ارزشی دارای ارزش شده که خود جای بسی تامل و بحث در ریشه یابی علل و عوامل و سیر تحولات جامعه را می طلبد.

اختلاس و تعریف جرم اختلاس: برداشت و تصاحب توام با سوء نیت اموال متعلق به دولت یا اشخاص (که اموالشان را در اختیار دولت می گذارند) توسط کارکنان دولت که بر حسب وظیفه در اختیار آنها قرار داده شده است اعم از این که به نفع خود یا دیگری باشد. به عبارتی جرم اختلاس عبارت است از خیانت در امانت کارکنان دولت در اموال دولت یا اموال شخصی که نزد دولت سپرده شده باشند. البته برخی گفتند این جرم از فروض خیانت در امانت است (میرمحمد صادقی، حسین: سال ۸۰ ص ۱۸۱) و برخی جرم اختلاس را مصداق مشدد جرم خیانت در امانت دانسته اند. (نورزاد، عوض: سال ۸۳ ص ۱۰۶)

مطالعه موردی:

۳۵



ردیف	رقم	متهم	حکم	توضیحات
۱	۱۲۳ میلیارد تومان	مرتضی رفیقدوست	حبس ابد	این <u>اختلاس</u> در سال ۷۴ بود مرتضی برادر محسن رفیقدوست که آن زمان چهره شناخته شده‌ای بود به همراه فاضل خداداد، متهمان اصلی این پرونده بودند. پرونده از سال ۱۳۷۱ مفتوح و تا سال ۷۴ که فاضل خداداد اعدام شد، ادامه یافت. مرتضی رفیقدوست هم که به حبس ابد محکوم شده بود، در سال ۸۲ مشمول عفو قرار گرفت و از زندان آزاد شد.



<p>در شهریور ماه ۱۳۹۰ مقامات قضایی از <u>اختلاسی</u> پرده برداری کردند که در آن زمان بزرگترین فساد مالی تاریخ ایران لقب گرفت. و مه آفرید امیر خسروی با سرقت این رقم از شبکه‌های بانکی توانست رکورد ۱۶ ساله فاضل خداداد را بشکند که از سال ۷۴ با فساد اقتصادی ۱۲۳ میلیارد تومانی اش رکورددار اختلاس در ایران بود. پرونده مه آفرید خسروی بعد از هزار و ۲۰ روز رسیدگی قضایی با اعدام او بسته شد اما چند ماه پیش از آن که حکم اعدام او اجرا شود، دومین پرونده اختلاس بزرگ به جریان افتاد که این بار رقم آن بیش از سه برابر سرقت مه آفرید خسروی بود.</p>	<p>اعدام</p>	<p>مه آفرید امیر خسروی</p>	<p>۳۰۰۰ میلیارد تومان</p>	<p>۲</p>
<p>مدیرعامل بانک ملی ایران یکی از <u>اختلاسی</u> گرانی بود که به کانادا گریخت و جلسه رسیدگی به پرونده او در رابطه با اقدامات نامبرده روز سه شنبه ۳۰ آبان ماه به صورت غیابی در دادگاه انقلاب اسلامی تهران برگزار شد دادسرا برخی اموال بدست آمده از وی را بفروش رساند</p>	<p>حبس طویل المدت و جزای نقدی و رد مال</p>	<p>محمودرضا خاوری - محمد جهرمی</p>	<p>۳۰۰۰ میلیاردی</p>	<p>۳</p>
<p>توضیحات</p>	<p>حکم</p>	<p>متهم</p>	<p>رقم</p>	<p>ردیف</p>
<p>مرتضوی که به خاطر تخلفات مالی و پرونده کهریزک درگیر و دار دادگاه بود، با اتهام</p>	<p>ابطال حکم ریاست بر</p>	<p>سعید مرتضوی</p>	<p>هزار میلیارد تومان</p>	<p>۴</p>

<p>تصرف غیرقانونی در اموال شرکت سرمایه گذاری تامین اجتماعی و اختلاس هزار میلیارد تومانی یک بار دیگر دادگاهی شد. اتهام مرتضوی در دل خود چندین عنوان مجرمانه را داشت. از واگذاری ۱۳۸ شرکت به بابک زنجانی گرفته تا پرداخت رشوه به نمایندگان مجلس. در گزارش تحقیق و تفحص از سازمان تأمین اجتماعی که در مجلس قرائت شد از رقم ۶ میلیارد تومانی هم صحبت شده بود که مرتضوی در روزهای پایانی دولت دهم به فکر پرداخت آن به مدیران دولت نهم و دهم افتاد و کارت هدیه ۵۰ میلیون تومانی به محمدرضا رحیمی و کارت های هدیه ۱۰۰ میلیون تومانی به سرپرست وقت وزارت تعاون و معاون وقت اجتماعی رییس جمهور هم جزو همین پاداش ها بودند. گزارش تحقیق و تفحص البته از رقم های دیگری هم حکایت داشت که از ابتدای دهه ۸۰ تا سال ۹۲ تحت عناوین مختلف به صورت غیرقانونی هزینه شده بودند.</p>	<p>سازمان تامین اجتماعی - لغو مصونیت قضایی در سال ۸۹ توسط دادگاه انتظامی قضات - پرونده مفتوح</p>			
<p>معاون اول رییس دولت دهم که ریاست ستاد هماهنگی مبارزه با مفاسد اقتصادی را هم به عهده داشت، به اتهام اختلاس ۲ میلیارد و ۸۵۰ میلیون تومانی از بیمه ایران در زندان است. او</p>	<p>بالحاظ تخفیف ۵ سال و ۹۱</p>	<p>محمدرضا رحیمی</p>	<p>۲ میلیارد و ۸۵۰ میلیون</p>	<p>۵</p>



<p>که در سال ۹۲ نشان ملی خدمت را از دستان رییس جمهور وقت، گرفته بود، در سال ۹۱ در فهرست کسانی که در پرونده اختلاس بزرگ از بیمه ایران نقش داشتند، معرفی شد. در آن زمان یکی از متهمان اصلی پرونده گفت که یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان به حساب شخصی محمدرضا رحیمی، رییس پیشین دیوان محاسبات و معاون اول رییس جمهور، واریز کرده است و دو سال بعد، دادگاه رسیدگی و حکم صادر گشت</p>	<p>روز حبس، پرداخت ۲ میلیارد و ۸۵۰ میلیون تومان رد مال و ۱ میلیارد تومان جزای نقدی</p>	<p>تومان</p>	
<p>اختلاس در مدیریت اکتشاف شرکت ملی نفت زمانی کشف شد در بررسی های بعدی مشخص شد که فرد متخلف، ظرف سه ساعت از کشور خارج می شود. به گفته سخنگوی کمیسیون انرژی مجلس، او از سال ۸۶ یا حتی قبل از آن اقدام به اختلاس کرده بود. این مورد، جزو معدود موارد فساد و اختلاس است که توسط همان دستگاه در گیر، کشف شد</p>	<p>پرونده مفتوح X</p>	<p>حدود ۱۰۰ میلیارد تومان</p>	<p>۶</p>

تصرف غیر قانونی در اموال دولت: «استفاده و مصرف غیر مجاز کارمندان و ماموران دولتی از وجوه یا اموال سپرده شده به آنها و یا اهمال و تفریط در نگهداری از آنها» مرتکبین این جرم عبارت است از مستخدمین دستگاه های موضوع ماده ۵۹۸ قانون مجازات که بدیهی است نوع قانون حاکم بر روابط استخدامی کارکنان مذکور، تغییری در ماهیت خدمت و رابطه استخدامی آنان ایجاد نکرده، و تمام مستخدمین رسمی و غیر رسمی مشمول حکم این ماده می

شوند. که هدف اصلی نگارنده در خصوص مجرم اصلی مد نظر است. استفاده از تلفن اداره برای تماس های شخصی، استفاده از دستگاه کپی اداره برای اخذ رونوشت از مدارک شخصی و مثالهای بسیار دیگری همگی مصداق جرم تصرف غیر قانونی می باشند. جابجایی اعتبارات، تصرف غیر قانونی است، مثلاً رییس اداره مبلغی را که برای اعطای وام به کارمندان تعلق گرفته است را صرف خریداری اتومبیل برای اداره کرده است. جرایم مربوط به معاملات دولتی: معاملات دولتی وفق ماده ۷۹ قانون محاسبات عمومی و احکام مشابه و متناظر شامل خرید، فروش، رهن، اجاره و استجاره و پیمانکاری می باشد. که انجام معاملات دولتی اصولاً حسب مورد به صورت و در قالب انجام تشریفات مناقصه و مزایده و در موارد استثنایی، در قالب ترک تشریفات مناقصه و مزایده صورت می گیرد. لازم بذکر است به موجب ماده ۱۱ قانون برگزاری مناقصات مصوب سال ۸۳ مناقصه به طرق زیر انجام می گیرد:

الف- در معاملات کوچک، کارپرداز یا مامور خرید با توجه به کم و کیف موضوع معامله (کالا، خدمت یا حقوق) درباره بهای آن تحقیق می کند و با رعایت صرفه و صلاح دولت و اخذ فاکتور مشخص و به تشخیص را با تأمین کیفیت به کمترین بهای ممکن انجام خواهد داد.

ب- در معاملات متوسط، کارپرداز یا مامور خرید باید با توجه به کم و کیف رعایت صرفه و صلاح و اخذ حداقل سه فقره اعلام کتبی و

ج- در معاملات بزرگ با برگزاری مناقصه عمومی و انتشار فراخوان در روزنامه یا مناقصه محدود

حجم برگزاری مزایده های دولتی در قیاس با مناقصه های دولتی نیز همیشه محدودتر بوده است. این از جمله ویژگی های کشورهای در حال توسعه است که میزان درخواست برای تملک دارایی سرمایه ای از واگذاری دارایی سرمایه ای بیش تر است. در مزایده، همیشه بیش ترین بهای ممکن یعنی صرفه اقتصادی و جنبه ریالی معامله اهمیت دارد و همین ویژگی زمینه مانور و اعمال نظر و نفوذ مسؤولان دستگاه های برگزارکننده مزایده را در قیاس با مناقصه کاهش داده و در نتیجه زمینه انجام تبانی در مزایده نسبت به مناقصه از این جهت پایین تر به



نظر می‌رسد. سرانجام، در حالی که شرکت در مناقصه برای همگان آزاد نیست برای مثال، در مواردی مراجع صلاحیت دار باید صلاحیت مناقصه گر را تشخیص دهند، در مزایده چنین محدودیت‌هایی وجود ندارد و همین موضوع سبب می‌شود که زمینه تحقق تبانی از این جهت در بخش مزایده بیش تر از مناقصه باشد.

بخش سوم: ویژگی های متهمان اینگونه جرایم

اجرایم کارکنان دولت شامل انواع گوناگونی است که جرایم مالی آنها تنها بخشی از آنها بشمار می‌رود و دو مشخصه اصلی دارد:

یکی اینکه مرتکب، کارمند دولت است و دوم اینکه وی رفتار مجرمانه را برای به دست آوردن مال یا مزیت و خدمات مالی انجام داده است یا اینکه از آن برای از میان بردن و یا حیف و میل اموال دولتی استفاده کرده است. (نورزاد، مجتبی: سال ۸۹ ص ۱۷۷) مثلاً در جرم اختلاس صرفاً توسط اشخاصی صورت می‌گیرد که با دولت به معنای عام و وسیع آن دارای علقه و رابطه استخدامی در معنای وسیع آن باشند. پس برای تحقق این گونه جرایم مرتکب این جرایم حتماً می‌بایست از کارکنان و کارمندان دولت یا اینکه مأمور به خدمت عمومی باشند نظیر:

- کارمندان و کارکنان موسساتی که با کمک مستمر دولت اداره می‌شوند
- مثل کارمندان سازمان بازنشستگی کشوری
- کارمندان و کارکنان موسسات دولتی یا وابسته به دولت
- کارمندان و کارکنان ادارات دولتی یا وابسته به دولت
- کارمندان و کارکنان دیوان محاسبات عمومی
- کارمندان و کارکنان شرکت‌های دولتی یا وابسته به دولت
- کارمندان و کارکنان سازمان‌ها یا شوراهای شهرداری‌ها
- کارمندان و کارکنان نهادهای انقلابی نظیر کارکنان نهاد ریاست جمهوری
- کارمندان و کارکنان قوای سه‌گانه مقننه، مجریه و قضاییه
- دارندگان پایه قضایی



و این نکته قابل توجه هست که با عنایت به اینکه افرادی که در قوه قضاییه و قوه مقننه مشغول به خدمت می باشند دارای دو جنبه کاری متفاوت هستند که ممکن است، مثلاً در مورد دارندگان پایه قضایی این طور سوال شود که منظور مقنن از در ردیف قراردادان دارندگان پایه قضایی با سایر کارکنان دولت چیست؟ در حالیکه در قوه قضاییه کارکنان یا از اجزایی هستند که به عنوان قضات مشغول انجام وظیفه هستند یا از اجزا اداری محاکم و ادارات و غیره می باشند. آیا منظور از دارندگان پایه قضایی کارکنان دسته اول است یا فقط کارکنان دسته دوم مشمول این قانون قرار خواهند گرفت؟ و همین بحث در قوه مجریه هم مطرح است. بدیهی است که هر جا که وجوه عمومی باشد، بحث خیانت در امانت مطرح خواهد شد و به عنوان مختلس قابل تعقیب خواهند بود. (رمضانی، احمد: سال ۱۳۸۰ ص)

بند اول: پیشینه تاریخی این جرایم

اولین جایی که معترض بحث سرقت از اموال دولتی شده قانون حمورابی است و نخستین قانون در این زمینه قانون مجازات مختلسین اموال دولتی مصوب ۱۳۰۶/۰۹/۱۶، تشکیل و طرز رسیدگی دیوان جزای عمال دولت مصوب ۲۰/۱۰/۱۳۰۷ شمسی می باشد که حاوی ۱۶ ماده است و به تصویب کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی می رسد. این نخستین باری بود که مقنن به بحث محاکمه نخست وزیر و وزرا پرداخت مقامات مذکور بموجب این قانون به دادگاه فرستاده نمی شدند بلکه ابتدا به مجلس سپس کمیسیون عرایض و در صورت تایید مجلس سپس به کمیسیون تحقیقات دیوانعالی می رفت. گام بعدی مقنن در این زمینه تهیه لایحه مربوط به تشکیل دیوان کیفر کارکنان دولت و طرز تعقیب مامورین دولتی در محل خدمت (۱۹/۰۲/۱۳۳۴) بود که بموجب ماده ۲ این لایحه، رسیدگی به کلیه جرایم استناداران و معاونین ... کلیه کارمندان قضایی و سایر مستخدمین و مامورینی که در قوانین دیوان کیفر پیش بینی شده بود (که در راستای شغل دولتی مرتکب می شدند) در دیوان کیفر کارکنان دولت رسیدگی می شد (به جرایم کارکنان جزء نیز در همین مرجع رسیدگی می شد) در سال ۱۳۵۵ این ماده اصلاح شد و بواسطه تبصره ۱ ماده ۸ لایحه قانونی تشکیل دادگاه های عمومی مصوب ۱۳۵۸ دستخوش تغییراتی شد با تصویب این لایحه دیوان کیفر کارکنان دولت



حذف شد و رسیدگی به جرایم آن در صلاحیت دادگاه جزایی استان قرار گرفت و به تمامی جرایم استانداران، فرمانداران، دارندگان پایه های قضایی- نمایندگان مجلس شورای اسلامی در دادگاه های جزایی تهران رسیدگی می شد. در سال ۱۳۶۵ در ماده واحده ای حمایت از نمایندگان مجلس مطرح شد و بصراحت اعلام داشت که به اتهامات نمایندگان مجلس در دادگاه های تهران رسیدگی می شود. قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۴ مجلس شورای اسلامی و تایید مورخ ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام که تا کنون پا برجاست ولیکن نیاز به اصلاح و تغییرات عمده در خصوص اعداد و ارقام با توجه به نرخ تورم دارد. مبارزه جدی با این جرایم را می توان در دوره امیر کبیر دید. آدمیت در کتاب ستودنی خویش با نام «امیر کبیر و ایران»، پیکار با رشوه خواری را برجسته ترین اخلاق و کردار مدنی میرزا تقی خان می داند. (آدمیت، فریدون: سال ۱۳۷۷ ص ۷۳) پری سایکس در برخی از توصیفات خود پیرامون باغ فین کاشان در مورد مرگ امیر کبیر می گوید: «... ولی با همه این تفصیلات داستانی رقت بار دارد و انتظار مردم بدشگون است؛ زیرا در حمام متصل به همین باغ بود که رگ های میرزا تقی خان را قطع نمودند و آن مدیر عالی مقام را که می خواست شروع به اصلاحات اساسی کرده و شالوده ارتشاء و اختلاس را از بن بر اندازد، به قتل رسانیدند». (نورزاد، مجتبی: سال ۸۹ ص) همانطور که پیداست که همواره اگرچه مدیران و سران مملکتی هرچند اندک و انگشت شمار، اما بوده اند که درصدد ریشه کنی این جرایم بوده اند اما تاریخ سرنوشت آنان را بازگو خواهد کرد که چگونه آنان را به کام مرگ یا شهادت کشاند. نمونه بارز مرد انقلابی و قابل تایید در هر دوره زمانی که به خاطر مخالفت با تجمل گرایی و اختلاسات و عدم تن دادن به خواسته های عده ای مادی گرا دچار حذف از دستگاه و حتی صحنه روزگار شدند اما ایشان هرگز از یادها و خاطره ها نرفت بلکه اسطوره ای ماندگار شدند ایشان دکتر امیرعلی رجایی بودند که حتی وقتی بر سر کار آمده بودند فرمودند: این مهندس بازرگان بود که وقتی بر سر کار آمد حقوق نخست وزیر زمان شاه را که ۲۰ هزار تومان، معادل ۲۰ میلیون تومان امروز را دریافت کرد اما وقتی شهید رجایی نخست وزیر شد، گفت برای چه باید این حقوق را بگیرم؟ و بیش از ۴ هزار تومان



دریافت نکردند. وقتی به ایشان گفتند که نخست‌وزیر باید بیش از وزرا حقوق بگیرد، گفت چه دلیل دارد مگر خرج نخست‌وزیر بیش از وزراست؟

بخش چهارم: وضعیت کنونی این جرایم در جامعه ایران

اما در حال حاضر متأسفانه از کارمندان جزء گرفته تا مدیران ارشد دولتی و سران مملکت همگی در حال سبقت گرفتن از تخلفات و جرایم از یکدیگر می‌باشند و بجای پیشرفت در این عرصه شاهد پس رفت و بعضاً دچار جرایم جدید و شگردهای فراقانونی هستیم نمونه بارز این مورد می‌توان به گزارش ذیل تدقیق نمود:

مثلاً در تاریخ ۱۶ بهمن سال ۱۳۸۷ گزارش تفریغ بودجه سال ۱۳۸۵ در مجلس قرائت شد که در آن آمده بود: بخشی از سود سهم دولت ناشی از مازاد بهای نفت خام صادراتی معادل ۱ میلیارد و ۵۸ میلیون دلار به حساب خزانه واریز نشده است. رئیس مجلس وقت پس از پایان قرائت گزارش تفریغ بودجه سال ۱۳۸۵ کل کشور تصریح کرد: «در این گزارش آمده است که یک میلیارد دلار از مازاد درآمد نفت به خزانه بازنگشته است که این موضوع باید پیگیری شود». نکته‌ای که حائز اهمیت می‌باشد این هست که شاید در اذعان عمومی و افراد جامعه اینطور برداشت شود که سیاست‌های این دولت غلط بوده و یا بهره‌علتی با ناکارآمدی دولت مواجهه گشته و سعی کرده در انتخابات بعدی دقت بیشتری به خرج داد بلکه فردی اصلح را برگزینند اما این داستان همچنانست که سالها ادامه دارد و فقط نقل مجلس برای برخی جبهه‌های موافق و مخالف می‌شود و منجر به سیاسی‌بازی انتخاباتی می‌شود و انتظار جامعه را بسویی سوق می‌دهند که اگر فلان نامزد روی کار آید اینگونه جرایم نابود خواهد شد یا در حالت خوشبینانه تری کمتر و شیوه‌های بهتری در جهت مبارزه با این جرایم به کار گمارده خواهد شد. برخلاف انتظارات همواره شاهد این موضوعات هستیم و همچنانکه با اعلام رئیس دیوان محاسبات کشور با بیان اینکه ۶۵ درصد احکام بودجه در سال ۹۵ رعایت نشده، باید گفت: دولت در حال آینده‌فروشی و این از علائم بی‌انضباطی مالی عمومی است. گزارش تفریغ بودجه ۹۵ نشان می‌دهد، وزارت نفت در مجموع ۱۶ هزار میلیارد تومان از درآمدهای ناشی از فروش گاز و همچنین فروش خوراک به شرکت‌های پتروشیمی در سال ۹۵ را به خزانه



واریز نکرده است. مطابق گزارشات و مستندات ارائه شده از سوی رئیس دیوان محاسبات، شرکت ملی پخش و پالایش فرآورده‌های نفتی ۳۷۰ میلیارد تومان از عوارض وصول شده موضوع بند (د) تبصره یک ماده واحده بودجه ۹۵ را در محلی غیر از مصارف قانونی یعنی هزینه‌های جاری شرکت مصرف کرده است. البته گذشته از این مطالب برخی رسانه با پدیده ای همچون سانسور تخلفات گسترده‌تر مواجهه گشتند که بدنبال مسایل جناحی و سیاسی حائز اهمیت است. همان رسانه هایی که دولت قبلش را تیتیر کرده بودند گم شدن یک میلیارد دلار پول نفت در دولت موافق خود، در واکنش به تخلفات بیش از ۲۰ برابری دولت در بودجه ۹۵ کاملاً به سیاست سانسور روی آورده‌اند. این آمار و ارقام نشان دهنده وقوع جرایم کلانی در این حوزه است که نشان دهنده این است که قوانین حاضر نقش بازدارندگی خود را از دست داده است و اینکه مبارزه جدی و قاطع در این خصوص صورت نگرفته که روبروز شاهد افزایش چند ده میلیاردی این آمار و ارقام از حجم بیت المال و ضایع شدن حقوق ملت هستیم و جمله زیبایی ست که می گوید: مجرمان همیشه از پلیس چندین گام جلوتر هستند.

بخش پنجم: علل ارتکاب جرایم ملی توسط کارکنان دولت

بند اول: علل تربیتی - فردی

ریشه یابی عوامل مهم را ابتدا باید از بن و ریشه پیدا کرد. که همان تربیت صحیح در خانواده می باشد. در سالهای قدیم با وجود فقر و عدم تجمل گرایی و تعداد زیاد خانوار و نبود امکانات و تجهیزات اما ملاحظه می شد که پدری کار می کرد و بقیه افراد خانواده هریک به سهم خود در مخارج خانواده سهیم بودند و با اندک درآمد خود شادمان زندگی کرده و به همدیگر حس وفا داری و اعتماد و احترام داشتند و از حال افراد فامیل و دوست و همسایه باخبر بوده و رفت و آمد های زیادی داشته اند و همواره یار و غمخوار و پشتیبان یکدیگر بودند بدین ترتیب فرزندان که در این خانواده ها تربیت می یافت اصول و ارزش های خانواده را رعایت می نمود و برای او یک آرمان بوده و همواره این روش ها سرلوحه زندگی آنان بوده است. با این روش تربیت و اعتقادات و احترامات متقابل هریک نقش خود را بخوبی ادا کرده و به اصطلاح معروف نان حلال خورده و پاک زندگی کرده است لذا وقتی تربیت از



پایه و ریشه صحیح باشد وقتی همین فرد وارد جامعه می شود و در جایگاه اجتماعی و هر پست و مقامی که قرار گیرد به چالش کشیده خواهد شد. اینجاست که باید دید تا چه اندازه عوامل بیرونی می تواند بر عوامل درونی و تربیتی فردی شخص تاثیر گذار باشد آیا حاضر است برای بدست آوردن پول بیشتر از آرمان ها و اعتقادات و حیثیت و آبروی خانوادگی شخصی خود بگذرد و زیر پا گذارد یا همواره بدان پایبند است؟ سوالی به ذهن خطور می کند که اگر این فرد تربیت یافته با مبانی نظام اسلامی و معتقد بخوهد همچنان به اعتقادات و پاک دستی خود پایبند بماند بر خورد جامعه با وی چگونه است؟ آیا جامعه پذیرای وی است یا او از جامعه ترد می شود؟ و فرد را دچار چالش های اجتماعی می کند که باعث ترد شدگی یا در نهایت دست برداشتن از اعتقادات خود است؟ اگر راه دوم را برگزیند با تضاد درونی خود چه کند؟ با خانواده و وجدان خود چه کند؟ اینجاست که متأسفانه دچار ریا کاری می شود و علیرغم اینکه این فرد، از درون انسانی پاک و با اعتقاداتی بوده اما جامعه و سیاست گذاری های موجود در آن و عدم اصلاح و عدم برخورد با معضلات و جرایمی که از شدت قبح آن کاهش یافته و به کسب شهرت و امتیاز مبدل گشته، چه عکس العملی می تواند از خود نشان دهد؟! شرایط وی را در خطر چه معظلاتی قرار می دهد و این گونه می شود که جامعه و روند حاکم بر آن فرد را به سوی چالش های خود سوق می دهد. (البته هستند هنوز هم کسانی که با تمام این مشکلات هنوز بر اعتقادات خود پایبند بوده و همچنان حامی تربیت صحیح و زندگی سالم هستند و با آبرو و شرافتمندانه زیسته اند و می زیند.) اما برعکس اگر به شیوه تربیت صحیح خانواده اهمیتی داده نشود و از درون فردی با عدم تربیت صحیح مواجهه باشد این فردی که در خانواده خود احساس مسئولیتی نکرده و رعایت احترام و ناموس و حلال و حرامی اهمیتی نداشته و اصلا مرسوم بوده وقتی وارد جامعه ای پر چالش می شود چگونه می تواند از قدرت کافی در مواجهه با این معظلات برآید آیا انقدر از درون قوی هست ایا رعایت این موارد اصلا برای وی اهمیتی دارد بسیار پر واضح است که این فرد از موضوع ضعیفی برخوردار می باشد و توانایی و قدرت مبارزه با نفس خود در ارتکاب اینگونه جرایم را نخواهد داشت لذا زمانی که کارمندان دولت جرایم مالی با رقم های کلان را می بینند خود را با بالا دستشان مقایسه می کنند



و این ذهنیت در آن‌ها شکل می‌گیرد که اگر فلانی توانست به امکانات و ثروت دست پیدا کند، چرا او نتواند؟ همینجا نقطه آغازی است برای آنکه سعی کند به امکاناتی فراتر از جایگاه خود دست پیدا کند. در واقع ترجیح منافع شخصی بر منافع عمومی مهم‌ترین آسیبی است که از تاثیرات افزایش جرایم مالی است و جامعه به سمتی می‌رود که افراد فردگرا شده و منفعت طلبی‌های فردی شان پررنگ تر از هر وقت دیگری است. همچنین تکرار این جرایم به مردم نشان می‌دهد که می‌تواند همیشه راهی برای بهره برداری از پایین دست خود پیدا کنند که متأسفانه ریشه در عدم تربیت صحیح و بازشناسایی خطوط قرمز از یافته‌های دینی و اسلامی می‌باشد. البته در جایی هم می‌توان اشاره داشت به نظریه همشینی افتراقی ساترلند در مباحث نوین روان‌شناسی اجتماعی که این ایده را در نظریه سیب فاسد آورده است. بر اساس این نظریه رفتارهای غیراخلاقی یک فرد در یک اداره به کنشگران آن سرایت پیدا می‌کند که اکثر افراد انسانهای سالمی هستند اما وجود فرهنگ غیراخلاقی موجب می‌گردد تا فساد، افراد سالم را نیز درگیر رفتارهای مجرمانه نماید (Fleming et al, ۲۰۰۹: ۱۷)

بند دوم: علل ساختاری

وقتی ساختار اقتصادی مبتنی بر رابطه باشد یا نواقص آن اجازه دور زدن قانون را بدهد، مسلماً این جرایم اتفاق می‌افتد و این چیزی است که مردم آن را درک می‌کنند. از مشکلات دستگاه‌های اداری کشور، کنار گذاشتن سخت‌گیری‌ها و نظارت‌های مالی به دلیل اعتماد بیش از حد به یک فرد خاص است که این موضوع زمینه تخلف را فراهم می‌کند و یا ممکن است که فردی به دلیل روابط دوستانه‌ای که با کارمندان و مدیران بخش‌های مختلف برقرار کرده، برای دست‌یابی به اهداف خود با دادن رشوه‌ای کلان بدون اینکه هیچ ترس یا واهمه‌ای از تعقیب داشته باشد بدون جلب توجه، به سوءاستفاده‌های خود ادامه می‌دهد. و اینگونه این جرایم در زمره آمار قرار نمی‌گیرند جزء آمار سیاه قرار می‌گیرند. در به وقوع پیوستن جرم اختلاس در حد کلان وقتی کارمندی قصد انجام چنین جرمی دارد قطعاً بدون شریک و همدست نمی‌تواند به اهداف خود برسد و کسانی که وی را در به سرانجام رساندن این اهداف وی به او کمک می‌کنند نیز خود جرایم دیگری نیز مرتکب خواهند شد از جمله جعل و



استفاده از سند مجعول و درپی آن چندین جرایم دیگر که ناخودآگاه به طور زنجیر وار این افراد را به همدیگر وصل می کند و آنان نیز درصدد اهداف مالی خود می باشند و برای حفظ این زنجیره در به ثمر رساندن هدف لاجرم رقم اختلاس با توجه به بلندپروازی افراد بالا می رود اینست که همیشه این جرایم ارزش این را ندارد که برای رقم و مبلغ پایین کسی خود را درگیر آن کند پس وقتی اشخاصی قصد به انجام چنین جرایمی می کنند باید انتظار ارقام کلان را داشت و از این جاست که اهمیت و ساختار شکلی این جرایم هوایدا می شود.

بند سوم: علل اجتماعی

علت بوجود آمدن و مبدا و شروع جرایم مالی کارمندان را باید در تشکیل دولت و حکومت دانست لذا تا قبل از آن هرکسی حافظ منافع و اموال شخص خود می باشد اما با بوجود آمدن جوامع بزرگ و ضمن بستن عهد و پیمان قرارداد اجتماعی همواره این مردم هستند که اختیار حفظ رابطه حقوقی و مالی خود را بطور ضمنی به دولت و حکومت واگذارده که همواره در دست دولت امانت و دولت برای حفظ این حقوق افرادی را بر سر کار آورده که می بایست از توانایی و قدرت و سلامت جسم و روح و روان و ایمان و صداقت برخوردار بوده باشد و نظارت کامل بر این مهم گمارده شود اما وقتی نظارت کامل و اجرای صحیح و قاطع قانونی نباشد متأسفانه اینگونه جرایم در جامعه روبه گسترش می رود و بسیار عادی جلوه می نماید. وقتی از شدت قبح و زشتی عمل کاسته شد اشخاص درصدد پیشی گرفتن از هم برمی آیند و اینگونه جامعه بسمت و سوی رشد اینگونه جرایم هدایت خواهد شد و قطعاً در سرنوشت افراد جامعه و ملت و کشور تاثیر بسزایی خواهد داشت. و شاهد این هستیم که افرادی هم که سالم و امانت دار کار می کنند چگونه باعث می شود که کم کم از صحنه و روی کار بودن فرد بیجای تشویق وی درصدد حذف او برمی آیند. کارکنان به لحاظ اقتصاد ضعیف، با هدف دست یابی به حداقل اهداف مشخص شده، به سوی ارتکاب جرم حرکت می کنند و کارکنان ثروتمند با هدف دستیابی به پایگاه اجتماعی بالاتر مرتکب رفتار مجرمانه می شوند. و کارکنان ضعیف تر با چشم و هم چشمی، مادی گرایی و تجمل گرایی در بوجود آمدن این جرایم بی تاثیر نیستند. وقتی کارمند با اندک حقوقی که می گیرد که از عهده مخارج اولیه خود بر نمی آید



دچار اختلالاتی در خانواده می شود که جدای از مسایل خانوادگی بحث به قیاس کردن به فلان اقوام خود که مثلا شغل آزاد دارد و وضع زندگی وی خیلی بهتر است و بعضا مورد تمسخر قرار می گیرند درصدد این هست که بدنبال راهی باشد برای جبران این ضعف. این تفکر غالب باعث می شود همه چیز معنای خود را در کنار پول و مسایل مالی از دست بدهد. کار، صرفا فعالیتی برای پول درآوردن می شود و تحصیل هم ابزاری است برای رسیدن به موقعیت مالی بهتر. این یعنی همه چیز تحت الشعاع پول قرار می گیرد و دیدن جرایم مالی احساس ناامنی روانی ای ایجاد می کند که به این تفکر اقتصاد محور در جامعه دامن می زند.

بخش نشم: راهکارهای مقابله و پیشگیری

بند اول: روش های کیفری

۱- تشدید قوانین: در وهله اول بنظر می رسد که اگر جرایم مربوط به کارکنان دولت تشدید شوند و ضمانت اجرایی بسیار قوی و محکم داشته باشند دیگر شاهد به وقع پیوستن اینگونه جرایم نخواهیم بود البته به دور از ذهن نیست که قوانین موجود نیاز به بازنگری و اصلاح مطابق با معضلات روز جامعه در مقایسه با زمان تصویب قوانین، دارد اما باید در نظر داشت هرچقدر جرایم سنگین تر و بزرگتر و دارای ضمانت اجرای قوی تری، کمتر کسی قادر به انجام آن خواهد بود مگر کسانی که خود دستی بر آتش دارند. مثلا وقتی در یک سازمان و یا نهاد دولتی کارمندی برای بدست آوردن مالی مرتکب جرمی می شود ناخودآگاه یکسری افراد دیگر هم می بایست با ایشان همکاری نموده تا بتواند به مقصد نهایی برسد و هریک از این افراد خود زنجیره و حلقه ای امن برای مرتکب اصلی به حساب می آیند و دیگر جای نگرانی بابت ضمانت اجرای جرم و آن ترس وجود نخواهد داشت و لذا در این مورد افراد مرتکب جرایم دیگری هم ممکن بشوند لذا اینجاست که هرچقدر هم مجازات سنگین و تشدید شوند خیلی در مقام موثر واقع نمی باشد.

۲- سیاست گذاری در وضع قوانین مربوطه: در راستای اعمال چنین سیاستی می توان جرایم را از لحاظ طول دوره لازم برای پیشگیری به دو دسته تقسیم نمود:



دسته اول جرایمی هستند که ضرورتاً بایستی در کوتاه مدت مهار گردند که مسلماً تنها حربه سریع و تند حقوق جزا می تواند مؤثر باشد. برای این دسته از جرایم می توان به جرایم در سطح کلان مالی که اغلب به صورت بانندی ارتکاب می یابند اشاره نمود.

دسته دوم جرایمی هستند که کارا بودن مجازات در کوتاه مدت برای آنها بسیار مبهم و همراه شک و تردید فراوان است و بالعکس راه حل آنها استفاده از نهادهای حقوقی مثل قضا زدایی یا اجرای مجازات های اداری در طولانی مدت می باشد.

۳- نقش دستگاه قضا: یافته های پژوهش های انجام شده در این حوزه نشان می دهد که رفتار نظام تعقیب کیفری با جرایم کارگزاران دولتی مهربانانه است که این امر یادآور پدیده «تسخیر نهادی»^۱ است و بر همین مبنا نهاد قضاوت کننده تحت شرایطی از جمله، وجود رابطه دوستی قبلی، تحصیلات در رشته مشترک، وابستگی به یک نهاد از جمله دولت و ... به تسخیر نهاد قضاوت شونده در می آید. (Robert, ۱۹۷۸: ۴) قوه قضائیه و ارکان آن می تواند از راههای گوناگونی در سیاست جنایی تقنینی تأثیر گذار باشد و با اختیاراتی که قانونگذار برای قاضی ایجاد کرده کلیه وصف های قانونی به طور متحد الشکل در استنباط قضات وارد نمی شود؛ به عبارتی استنباط قضات در موارد قانونی مشابه نیست به گونه ای که در مورد جرم واحد نیز احکام مختلفی توسط دادگاهها صادر و مواد استنادی آنها متفاوت می باشد و بدین جهت سیاست جنایی قضایی شامل رویه های قضایی و عملکرد آنها در استنباط قوانین پر اهمیت است و چه بسا در برخی از موارد سیاست جنایی از سیاست جنایی قضایی فاصله می گیرد. با وضع سیاست جنایی کارآمد این امکان را بطور مستقیم در سطح جامعه تزریق و میسر می سازد. برای شناخت سیاست جنایی راجع به یک موضوع علاوه بر شناخت نقش قانونگذار در تنظیم و ترسیم خطوط اساسی جرم انگاری و تعیین پاسخ ها باید به نقش سیاست جنایی در چگونگی درک و نحوه کاربرد خطوط ترسیمی قانونگذار نیز توجه داشت. اساس سیاست جنایی قضایی یک کشور را باید در نحوه نظارت و اجرای قوانین و نیز محصول کار قوه قضائیه شامل عملکرد، رویه، تصمیمات و احکام صادره دادگاهها ملاحظه کرد. بدین گونه

¹ Agency Capture





سیاست جنایی شکل گرفت که از نظر متخصصان «شامل مجموع رخ روش هایی می شود که هیات اجتماع با توسل به آن ها پاسخ های به پدیده مجرمانه را سازمان می بخشد» (دلماش مارتی، سال ۹۲ ص ۹۲) در واقع دستگاه قضا نقش بسزایی در وقوع و تکرار این گونه جرایم در جامعه خواهد داشت اگر هر جرمی که از ناحیه کارکنان دولت به وقوع می پیوندد با قاطعیت تمام و جدیت پیگیری شود به دور از هرگونه سیاسی کاری و مصلحت اندیشی های شخصی و هرگونه تعارفات می تواند تا حد بسیاری جلوی وقوع این جرایم را گرفت. چرا که قانون باید فصل الخطاب باشد و در این خصوص در قانون اساسی اصول (۱۹-۲۰) مورد اشاره قرار گرفته شده است و همه افراد جامعه در برابر آن یکسان هستند و این امر تبعیض بردار نخواهد بود. درین خصوص رای قابل تاملی وجود دارد که یک شهروند عادی با برداشتن هشت عدد نارنج از درخت همسایه به یکسال حبس و تحمل شلاق و رد مال محکوم شده است (دادنامه ۱۹۱۰۲۲۵۰۰۹۹۸۱۵۲۲۵۰۹۴۰). اما با توجه به نرخ بالای آمار اختلاسات و رانت و ... برای اشخاص دولتی با وضع درآمد و سطح زندگی خاص که دچار جرایم مالی در سطح کلان می شوند بعضا از دایره شمول آمار خارج اند و در رقم سیاه جرایم قرار دارند یا با برخورد سهل تری و دیده اغماض گرایانه تری برخورد شده چه بسا در آخر برائت هم بگیرند گویی که قانون فقط برای افراد ضعیف است و دست و پا گیر که خود معطل عظیمی است.

بند دوم: روش های غیر کیفی (پیشگیری)

۱- لزوم نوسازی ساختارها و فرایندهای مالی و اداری شرکتها و سازمانها: شرکتها و سازمان ها باید جسارت نوسازی اداری و مالی را داشته باشند و با کنار گذاشتن روشهای قدیمی و پوسیده ضمن بالا بردن بهره وری، در پیش گرفتن رویه های جدید اداری و مالی و روش های حسابداری جلوی تخلفات را نیز بگیرند.

۲- ضوابط بجای روابط: لزوم حاکم بودن ضوابط به جای روابط حتی در بررسی ها نشان می دهد که مثلا فردی که سالها در پست و مقامی فعالیت می کرده، حداقل توانسته اعتماد مسئولان و کارمندان بخش های مختلف را جلب کند به طوری که سایرین با نظر مساعد و با کمترین سخت گیری به وی، اقداماتش را تایید کنند.

۳- نظارت های مستمر: به طور قطع اگر کارمندان متوجه شوند که بر کار آنها نظارت وجود دارد، کارمندان خوبی خواهند شد و بسیار تأثر گذار است. اما وقتی صبر می کنیم تا او مرتکب جرمی شده سپس با او برخورد شود تفکر اشتباهی است، باید هر زمان احساس شود که کارمندی مسیرش را کج می رود به او تذکر داده شود تا در مسیر درست قدم بردارد لذا در پرتو نظریه ذهنی می شود گام مثبتی برداشت. نظارت در واقع به معنی ممیزی، کارشناسی و ارزیابی است. انجام امور نظارتی توسط متصدیان امر نباید صرفاً جنبه شعاری داشته باشد، بلکه عامل نظارت باید کاملاً به صورت ساختاری و بنیادی باشد. نظارت باید متناسب با ذات و ماهیت سمت کارمند باشد. نظارت باید توسط یک نهاد مستقل و نه یک نهاد اداری، اعمال شود. به عبارت دیگر وظیفه ی نظارت بر کارکنان دولت باید توسط یک نهاد فراجناحی و فرامدیرویتی انجام شود. در حقیقت این نهاد باید قدرت کارشناسی داشته باشد. در این صورت ما به یک قانون خاص در این زمینه نیاز خواهیم داشت. روش کار نظارتی هم باید به این صورت باشد که بعد از آن که گزارش های افراد متصدی امر نظارت توسط یک نهاد مستقل تایید شد، زمینه ساز صدور کیفرخواست در دادسرا باشد. تأکید بر وجود یک نهاد مستقل در امر نظارت بسیار مهم است. دلیل این امر آن است که از دخالت افراد قدرتمند و ذی نفوذ در فرآیند دادرسی در دادسرا و دادگاه جلوگیری به عمل آید.

۵۱



۴- الگو گیری از روش های موفق در دیگر کشورها: طبق گزارشات محققان «مؤسسه پژوهشی اقتصاد صنعتی» در استکهلم سوئد طی پژوهشی که نتایج آن در ژانویه ۲۰۰۳ میلادی منتشر شد، افزایش قوانین را در کاهش اختلاس و تخلف مالی بی اثر دانستند. عنوان این مقاله، «جرائم سازمان یافته، ارتشا و مجازات» است و روش آن، کمی از نوع محاسبات و معادلات ریاضی است.

➤ مأموران سالم و درستکاری را به ویژه برای نظارت بر اجرای قوانین و مجازات متخلفین گمارده اند

➤ مأموران خود را دست و دل‌بازانه تأمین مالی می کنند

➤ مجازات های پیش بینی شده را به صورت قطعی و کامل اجرا می کنند

➤ با استفاده از روش های مختلف فضایی ایجاد می کنند که تخلف مالی مخفی نمی ماند و

شفافیت سیستم قضایی افزایش یابد

دولت هایی که برخی مجازات های سنگین بینی کرده اند با این حال مأموران آنها به دلیل دریافت رشوه و یا علل دیگر، اختلاس و کلاهبرداری را نادیده گرفته، متخلف را تبرئه می کنند و یا وی را بعد از محکومیت مورد عفو قرار می دهند، محیط مساعدی را برای فعالیت مجرمان و گسترش رشوه فراهم می کنند.

۵- نظام مندی و شایسته سالاری: در بحث نظام مند بودن می بایست توجه بسیار نمود در خصوص استخدام افراد در دستگاه های دولتی که با ضوابط و شرایط بسیار محتاطانه ای برخورد شود و در هر دستگاه یا سازمان و نهادی با توجه به اقتضای سیاست و برنامه های آن مجموعه با آزمونهای ورودی و شخصیت شناسی و روانشناختی مورد سنجش قرار گرفته شود. که افراد با متغیر ها و تیپ شخصیت های متفاوت در جایگاه خاصی مستقر شوند تا از توان بالقوه افراد در جهت استفاده در بهترین حالت به حالت بالفعل درآمده و از سطح دانش و هوش مناسبی بهره مند باشند. علاوه بر این موارد افراد متدین و با اعتقاد و به دور از هر جناح یا دسته و گروهی با پایبندی به مبانی نظام اسلامی بتوانند در جهت اهداف نظام بطور مستقل به کار خود ادامه دهد البته لازم است که دولت نیازهای این کارمندان را نیز حتی بالاتر از حد متعارف یک شهروند عادی در نظر داشته باشد چرا که وقتی از جهات مادی مسکن و خوراک و پوشاک و سایر امکانات بهره مند باشند دیگر نیازی برای بدست آوردن هرچه بیشتر پول نیست که متوسل به انجام هر جرمی بشوند که لازمه زیر ساخت همان مطالب فوق می باشد.

۶- فرهنگ سازی و تولید رسانه ای: دولت با تخصیص بودجه برای کاهش چنین جرایمی می بایستی به فرهنگسازی و ساخت فیلم و کارهای هنری در زمینه تاثیرگذار اقدام لازم را انجام دهد و مجوزهای آن را صادر کند. بخش عظیم زندگی مردم جامعه نشات گرفته از برنامه های روزمره گی آنها و همچنین همگام سازی کردن خود با معضلات روز می باشد چه بسا با پرهیز از آثار تکراری و اپیزودی در یک نقش در آثار فرهنگی هنری رسانه ملی مخاطب خود را از دست بدهند.



۷- الکترونیک شدن عملیات مالی: باید گفت دولت الکترونیک تا چه اندازه می‌تواند در پیشگیری از این جرایم تاثیرگذار باشد. در واقع هرچقدر سعی شود دخالت انسان در روند اجرایی در هر دستگاهی کم شود کمتر شاهد وقوع تخلفات و جرایم از سوی کارمندان باشیم. مثلا اینکه با ثبت اثر انگشت و مشخصات کارمند در بانک اطلاعاتی و هویتی وی انجام هرگونه معامله و تغییر و یا جابجایی مقادیر ارز یا ریال و کنترل اتوماسیون و سیکل خاص در مواجهه با حسابهای مشکوک خود بخود قفل شده و اجازه برداشت یا صدور مجوز و ... مسدود شود.

۸- آموزش: واحد آموزش قوه قضاییه برای جلوگیری از تخلفات اداری و جرایم کارمندان آموزش‌های ضمن خدمت را برای آنها منظور کرده است؛ چراکه یکی از علت‌هایی که افراد دست به ارتکاب جرم می‌زنند عدم آگاهی از قوانین است و با آموزش‌های ضمن خدمت می‌توان آمار تخلف در این زمینه را کاهش داد.

۹- شفافیت سازی: جرایم ارتکاب یافته زابطه مستقیمی با میزان شفافیت و عدم شفافیت در ساختار دولتی دارد. و زمانی که این مهم رعایت نشود کم کم اعتماد مردم از دولت سلب شده و زمینه جرایم سنگین تر و فروپاشی نظام را فراهم می‌آورد زیرا که استقرار نظام می‌بایست مبتنی بر مردم سالاری باشد که حاکمیت در واقع نماینده مردم بوده و مردم صاحبان حق هستند که به امانت مسئولیت‌هایی را به آنان سپرده اند لذا حق مردم این است که در مواجهه با چنین مسئولیتی خطیر که بر عهده حکومت نهاده امانت داران بدور از هرگونه مخفی کاری عمل نمایند و همچنین عملکرد شفاف خود زمینه دستگیری افراد متخلف و مجرم را واضح می‌کند.

۱۰- استفاده از علوم روانشناختی: علوم مختلفی می‌تواند در هر زمینه به یاری معطلات اجتماعی بشتابد لذا علوم روانشناختی در خصوص موضوع این مقاله می‌تواند تا حدی کمک فراوانی را بدست دهد. همانطور که می‌دانیم جامعه تشکیل یافته است افراد با شخصیتها و منش های متفاوت در بررسی این امر می‌توان بر اساس یکسری شناسه های روانشناختی در گردآوری اطلاعات مهم راجع به فرد پی به توانایی ها اعم از بالقوه یا بالفعل او تا حدی دست یافت و از این جهت با بکارگیری صحیح فرد در جایگاه خود بسیار سنجیده تر عمل کرد. برای



مثال برای تشکیل یک شرکت به افراد مختلفی نیاز مند هستیم و یکسری عوامل یک چارت بندی تشکیل یافته از پست ها و وظایفی که افراد می بایست در آن جایگاه قرار گیرند. نیاز به یک مدیر کار آمد با توجه به شخصیت شناسی فردی علاوه بر علم مرتبط و کافی، منظم و با سیاست و رویارویی در برخورد چالش ها و مدیریت بحران در سامان بخشیدن به اوضاع و احوال، برونگرا بودن و یکسری مشخصه های درخور این مقام و یا شخصی که مسئول فروش یک شرکت است باید علاوه بر علم مرتبط و کافی از برخورد مناسب و قدرت جذب و فردی صبور قانع گر و مشوق و خونگرم باشد تا بتواند در ایجاد ارتباط با مشتریان در جهت اعتماد سازی و تشویق خرید آنان را هدایت کند و فرد انبار دار می بایست فردی امانت دار و متدین و ویژگی های شخصیت شناسی محرز در وی بتوان وی را در این سمت گذارد. و همین اصول در تشکیل یک سازمان و نهاد دولتی که در سطح وسیع و حساس تر است نیازمند رعایت است. متأسفانه در جامعه این بررسی کمتر یا بگوییم در برخی موارد اصلاً رعایت نمی شود. و مشاهده شده که فردی در پست مقامی قرار گرفته که اصلاً در زمینه مرتبط با آن اطلاعاتی مبانی و پایه علمی آن را هم ندارد و یا رشته تحصیلی و تجربیات وی اصلاً منطبق با کاری که می کند ندارد و همین باعث معطلات جدیدی خواهد شد مثل: ناکارآمدی کارمند - اتلاف زمان و سرمایه دولت - اطلاع وقت ارباب رجوعان وی از جهت کاری به کارمند ارجاع شده - بوجود آمدن مشکلات جدید تر - نارضایتی مردم از دستگاه های دولتی - زمینه ایجاد رشوه - تشکیل پرونده های قضایی علیه کارمندان - انباشتگی حجم وسیع کارهای ارجاعی و عدم پاسخگویی صحیح به مردم که در نهایت منجر به اضافه کردن نیروی انسانی در آن بخش و بار مالی و هزینه گزاف بر دوش دولت و همه و همه برای این اینکه صرف اینکه مثلاً فلان شخص ارشد چون قبلاً در دستگاهی بوده و بخاطر تغییر وضعیت می بایست پستی هم ردیف یا بالاتر از پست قبلی خود را باید تصاحب کند فرد را در آن جایگاه قرار می دهند. یا در سطح پایین تر با عدول از شرایط و ضوابط استخدامی با پارتی و ... افراد غیر صالح با عدم تطابق شخصیتی و علمی بر سر کار می آیند.



نتیجه گیری

برای داشتن دولتی پاکدست و به دور از جرایم مالی که در نتیجه عمل کارکنان دولت که نوعی امین جامعه هستند و جرایم ارتكابی آنان که به نوعی بی اعتمادی عامه مردم نسبت به دولت می شود اتفاق می افتد وجود معیارهای شاخص در وجود و شخصیت خود فرد بسیار حایز اهمیت است و همچنین بستر و فضای مناسبی که همه در یک جهت و یک سو هدف واحدی را دنبال نمایند و البته برطرف نمودن مشکلات مالی اقتصادی کارکنان که خود زمینه ساز بسیاری از مسایل است و با توجه به فردی گرایی و جلب منفعت طلبی شخصی در جایی که منفعت جمع اقتضا دارد اغماض شده و با شناخت دقیق علل و عوامل از جمله علل فردی تربیتی علل ساختاری همچنین با پیشگیری های موثر کیفی (تشدید قوانین سیاست گذاری موثر در وضع قوانین نقش مهم دستگاه قضا) و در روش های پیشگیری غیر کیفی (لزوم نوسازی ساختار و فرآیند های مالی اداری سازمانی حاکم کردن ضوابط بجای روابط نظارت مستمر نظام مندی و شایسته سالاری فرهنگ سازی الکترونیکی شدن عملیات مالی آموزش های لازم و شفافیت سازی و استفاده از علوم روانشناسی) بتوان به عملکرد صحیح دست یافت.



منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم
- ۲- میرمحمد صادقی، حسین: حقوق کفری اختصاصی، جرایم علیه اموال و مالکیت، نشر میزان پاییز ۷۶
- ۳- نورزاد، مجتبی: جرایم اقتصادی در حقوق کیفری ایران، انتشارات جنگل سال ۸۹
- ۴- کاتوزیان، امیرناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی: اموال و مالکیت، نشر میزان، پاییز ۸۳
- ۵- یزدانی نجف آبادی، فایزه: پایان نامه مطالعه تطبیقی تعدیات مامورین دولت نسبت به دولت در حقوق ایران و فرانسه، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران ۱۳۵۴
- ۶- نورزاد، عوض: بررسی جرایم اختلاس و تصرف غیرقانونی در اموال دولت، سال ۸۳
- ۷- شامیاتی، دکتر هوشنگ، جرایم علیه اموال و مالکیت سال ۷۵
- ۸- رمضان، احمد: اختلاس بررسی فقهی و حقوقی، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر سال ۱۳۸۰
- ۹- کاشانی، فیض، محمد محسن ابن شاه مرتضی، رسایل فیض کاشانی، جلد ۷ رساله ۳ چاپ اول ۱۴۰۹ هـ ق
- ۱۰- آدمیت، فریدون: امیرکبیر و ایران، ترجمه منوچهر امیری، انتشارات علمی و فرهنگی سال ۱۳۷۷
- ۱۱- دلماش مارتی، می ری، نظام های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، جلد ۱، سال ۸۱
- ۱۲- مجله حقوقی دادگستری شماره ۸۲ سال ۹۲

13- www.mashregnews.ir

14- www.besharnews.ir

15- Fleming, peter and c. zyglidopoulous (2009). charting corporate corruption, edward elgar publication

16- Robert, Barry, A representative legislature and regulatory agency captureCitation, <http://resolver.caltech.edu/CaltechTHESIS:06232011-113415674>

